

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان
۲۱ اکتوبر ۲۰۰۹

شکوه ۵۲

(۹) در جرمنی :

{ د }

شیر یخ و قهوه و چای و ککو
پولی بپرداز و سر انگشت بجو
کوکا کولا ، آجو و هم شراب
فکر همه گشته ز نرخش خراب
وای و جب ، کانتین افغان نگر
خالی کن جیب هر انسان نگر
گوشه پر از کاست و سی دی رام
بار اول بشنو و دوم تمام
ویدیو و فلم هنر پیشه ها
کاپی و جعلی شده زاندیشه ها
وای و جب ، کلتور افغان نگر
بس هنرش ، خوار و پریشان نگر
هم کتب دین و سیاسی ببین
هم کتب شعر و فکاهی ببین

چاپ و صحافیش چنان خوشنما
سطری زمین خوان و دگر در هوا
وای و جب ، کلتورِ افغان نگر
بس هنرش ، زار و پریشان نگر
تیری رها کرده یکی (صید و جب)
صیدِ دوصدِ فاخته کرده عجب
فکری نمودی که پر از عایدات
دزدی نماید کمی از مالیات
وای و جب ، کاسبِ افغان نگر
فکر و پلانی ز دل و جان نگر
تازه خبر شد که یکی خوش زبان
دخترکِ خوشگلکِ نوجوان
(حاجبه) نامی که به کلفورنیا
خوش قد و خوشهیکل و هم خوشصدا
وای و جب ، غنچهٔ افغان نگر
شاخه گلی ، تازه شکوفان نگر
گفت که از حاجبه دعوت کنم
هموطنان را کمی خدمت کنم
جشنِ شبِ سالِ نو و سالِ نیک
تا که بگیرند ، همه ، فالِ نیک
وای و جب ، کاسبِ افغان نگر
دانه و دامیست ، نمایان نگر

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

شکوه ۵۳

(۹) در جرمنی :

{ ه }

نامه ای بنوشته که ای حاجبه
دعوتی دارم ز تو ، ای جاذبه
خرج سفر ، جمله پردازمت
هر قدمی گل ، ز وفا پاشمت
وای وجب ، دعوت افغان نگر
خرج و مصارف ز دل و جان نگر
بقیه دارد